



مقدمه: تکنولوژی هم وجه سرکوب‌گرانه و هم وجه آزادی بخش دارد و آن پیوند نامیمونی که تکنولوژی با سرکوب و سلطه یافته است به دلیل عنان گسیختگی و به تبع منطقی است که نظارت و مدیریت را ذیل لوای آزادی کنار نهاده است. در واقع به تعبیر پانپنهایم می توان گفت تکنولوژی اساساً نسبت به اهدافی که در خدمت آن قرار گرفته، بی طرف و بی تفاوت است و از این رو، هم می تواند برای هدف های خلاق و سازنده و هم مقاصد ویرانگر و مخرب، به کار گرفته شود. روح آدمی در میان مهممه و آشفستگی جهان تحلیل می رود و او یا در بی خبری به سر می برد یا زمانی که دیده می گشاید، از خوف آنچه می بیند به واهمه می افتد. عصر تکنولوژی نیز این بی خبری از خویش را تشدید می کند

چراکه سبب شده است که آدمی خود را در کار خلاصه کند و به پیچ و مهره‌های فناوری بدل شود و هرچه که بیشتر می‌گذرد در تحقق انسانیت خویش، ناتوان‌تر می‌شود.

«تکنولوژی» ابزار آزادی‌خواهی است اما کاربردها و محدودیت‌های خاصی که در جامعه‌ی سرکوبگر دارد، آن را به ابزار سلطه مبدل می‌کند. تکنولوژی در قرن بیستم اگرچه باعث افزایش روزافزون تولیدشده است اما در واقع، انسان را به‌ضمیمه ای برای ماشین‌ها و تکنولوژی‌های جدید بدل ساخته است و هرچقدر که این پروسه‌ی تکنیکی شدن پیش می‌رود، ساحت‌های بیشتری از وجود آدمی، تابع منطق تکنولوژی می‌شود و آدمی در یک ساحت بی‌پایه و مضمحل، مستحیل می‌شود. پیوند میان ازخودبیگانگی و تکنولوژی و منکوب شدن سوژگی فرد تحت تأثیر پیشرفت‌های تکنولوژیکی را «اسپایک جونز» به‌خوبی در فیلم «Her» به تصویر می‌کشد و عقوبتی را که فرد عاجز از ارتباط با خود و دیگری، در انس غریب و تلخ با تکنولوژی می‌یابد را به‌خوبی پیش‌گویی می‌کند.

«یووال هراری» در کتاب انسان خدای گونه، به تعبیر خود تاریخ مختصر فردا را شرح می‌دهد، فردایی که در آن روایت‌های قدسی دیگرگونی، جایگزین مذهب شده اند تا به زندگی بشر معنا ببخشند، هراری از این ایمان جدید تحت عنوان «Dataism» یاد می‌کند که مبتنی بر قدرت الگوریتم‌ها است و بر زندگی بشر سیطره یافته و انسان را تحت کنترل و حراست خود در آورده است.

«اریک فروم» از اندیشمندان مکتب فرانکفورت، معتقد است که با توسعه‌ی کاپیتالیسم و کمونیسم، فرایندهایی که ازخودبیگانگی انسان را پیش می‌برد،

تداوم خواهد یافت و حتی اجتناب از جنگ، یک آینده‌ی روشن را تضمین نمی‌کند؛ چراکه هر دو نظام، به‌سوی جوامعی مدیریتی، در حال توسعه هستند، ساکنان آن‌ها به‌خوبی می‌خورند، به‌خوبی می‌پوشند، آرزوهایشان برآورده شده‌است و هیچ آرزویی ندارند که امکان تحقق آن وجود نداشته باشد؛ اما انسان‌های مکانیکی و بی‌اراده‌ای هستند (در عصری که ماشین‌هایی ساخته می‌شود که همچون انسان عمل می‌کنند و انسان‌هایی تولید می‌شوند که همچون ماشین‌ها عمل می‌کنند!) خرد آن‌ها روبه‌زوال می‌رود، درحالی‌که هوش آن‌ها افزایش می‌یابد؛ باوجود انسان‌هایی که بزرگ‌ترین قدرت‌های مادی را، بدون حکمتی برای استفاده کردن از آن‌ها در اختیاردارند، وضعیت ناگواری پدید می‌آید. به‌رغم آسایش و تولید فزاینده، انسان بیشتر و بیشتر احساس می‌کند که زندگی او فاقد معنا است؛ البته چنین احساسی تا حد زیادی ناخودآگاهانه است. فروم می‌گوید در قرن ۱۹ مسئله این بود که «خدا مرده است»، اما در قرن ۲۰ مسئله این است که «انسان مرده است». در قرن ۱۹، بی‌رحمی به معنای ظلم و ستم به دیگری بود، در قرن ۲۰ بی‌رحمی به معنای بیگانگی از خویش به شکلی روان‌گسیخته و منزویانه است. خطر موجود در گذشته این بود که انسان تبدیل به برده شود، خطر موجود در آینده این است که امکان دارد انسان به ربات تبدیل شود.

تکنولوژی‌ها، تغییرات زیادی را برای جوامع امروز به ارمغان آورده‌اند، به همین دلیل ضروری است که دولت‌ها استراتژی‌های صنعتی جدیدی را برای رویارویی با این تغییرات اتخاذ کنند. "جورج آذربورن" وزیر دارایی انگلستان، اعلام کرد که کامیون‌های بدون راننده، در جاده‌های انگلستان، آزمایش خواهند شد. بنابراین با چنین اقداماتی، آذربورن ورود به دوران جدیدی از اتوماسیون و فعالیت‌های تکنولوژیکی را اعلام کرده است؛ عصر جدیدی که بدون شک تأثیرات عمیقی بر چشم انداز شغلی میلیون‌ها کارگر بریتانیایی خواهد داشت.

بانک مرکزی امریکا، اخیراً اعلام کرده است که دستگاه‌های اتوماتیک، حدود نیمی از مشاغل تولیدی را طی صد سال اخیر به عهده خواهند گرفت که این امر منجر به صرفه‌جویی بسیار زیادی در هزینه‌های نیروی کار (یعنی بالغ بر ۹ تریلیون دلار) خواهد شد. اثرات این تغییرات تکنولوژیکی قطعاً بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر از انقلاب صنعتی اول خواهد بود.

"آنجلا ایگل" نخستین وزیر امور خارجه کابینه سایه، بیان کرد که حزب ما (حزب کارگر) به این تغییرات عمیق اقتصادی و اجتماعی واکنش نشان خواهد داد و من عقیده دارم که این واکنش‌ها باید مبتنی بر یک استراتژی صنعتی جدید باشد. اگر ما تاکنون منتظر زمانی بودیم که سیاست‌هایی اتخاذ شود که اختیارات بیشتری را به دولت‌ها بدهد، اکنون وقت آن رسیده است.

سوالی که پیش روی ما قرار دارد این است که چگونه این تغییرات تکنولوژیکی، زندگی ما را تغییر می‌دهد؟ ما نمی‌توانیم این تغییرات و تأثیرات آنها بر زندگی مردم را به دست تقدیر واگذار کنیم، یعنی همان کاری که صدراعظم و

همکارانش اکنون در حال انجام آن هستند. بسیاری از اعضای حزب محافظه کار تصور می‌کنند که آنها قادر به انجام هیچ کاری نیستند، آنها ناتوانی خود را تحت عنوان لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی پنهان می‌کنند و به درگاه خدایان بازار آزاد، دعا می‌کنند. آنها از پذیرش هرگونه نقشی برای دولت‌ها، اجتناب می‌کنند.

شرکت خدمات حرفه‌ای «دیپلویت»، اعلام کرده است که از سال ۲۰۰۱ تا کنون حدود ۸۰۰ هزار شغل به خاطر استفاده از سیستم‌های خودکار، از بین رفته است و این رقم طی دهه‌ی پیش رو احتمالاً به ۱۱ میلیون شغل خواهد رسید. هرگز چنین چشم اندازی در بازار کار مشاهده نشده است. من عقیده دارم که عواقب و نتایج چنین اتفاقی بسیار عظیم خواهد بود و ما باید اتوماسیون را به عنوان یک مسئله‌ی ضروری که پیش روی دولت‌هاست، در نظر بگیریم اما بسیار تعجب برانگیز است که چرا دولت‌ها نسبت به این اتفاق بی‌توجه هستند.

هیچ وزارتخانه‌ای برای رسیدگی به این تکنولوژی‌های جدید وجود ندارد. هیچ کمیته‌ی ویژه‌ای برای یافتن راه‌حلی برای این مشکلات وجود ندارد. هیچ کمیسیونی به تاثیرات اقتصادی ربات‌ها بر زندگی مردم نمی‌پردازد و مسائل اخلاقی که آنها به همراه می‌آورند را مورد بررسی قرار نمی‌دهد. آیا نباید نهادهای جدیدی پدید آید که اتحادیه‌های کارگری، کارفرمایان و دولت‌ها را گرد هم آورد تا به بررسی این مسئله بپردازند که چگونه زمان و ثروت به دست آمده توسط ربات‌ها، به صورت منصفانه‌ای تقسیم شود؟

آمدن ربات‌هایی که راننده کامیون هستند (همچون کالسکه‌های بدون اسب در سال ۱۸۹۰) موجب دلهره و نگرانی در افراد می‌شود؛ با این حال یک ماشین بدون راننده نه خسته می‌شود، نه در حین مستی رانندگی می‌کند و نه نقاط کور را نمی‌بیند. پیامدهایی که این تکنولوژی‌های جدید به همراه می‌آورند، تقریباً بی‌نهایت است. قطعاً از مرگ و میر در جاده‌ها کاسته می‌شود، میزان بهره‌وری شبکه‌های جاده‌ای بیشتر می‌شود، اتومبیل‌ها تبدیل به خودروهای عمومی می‌شوند، رانندگی‌ها سریع‌تر می‌شود، پیشرفت زیادی در زمان تحویل کالاها از طریق سیستم‌های حمل‌ونقل صورت خواهد گرفت اما در عین حال این مسئله حائز اهمیت است که این تغییرات منجر به از بین رفتن مشاغل زیادی در سیستم حمل و نقل می‌شود.

ما برای درک تغییراتی که به تبع افزایش تعداد ربات‌ها پدید آمده است، کافیست که اندکی به گذشته بنگریم. اولین نسل ماشین‌ها، قدرت بی‌عنان کاپیتالیسم را در جامعه رها کرد و جوامع ما را برای همیشه تغییر داد. شهرها و شهرستان‌ها با وقوع انقلاب صنعتی، شکل گرفتند. انقلاب صنعتی برای ما راه آهن به وجود آورد که در ابتدا با مقاومت جوامع روستایی و زمین‌داران مواجه شد.

موج صنعتی شدن، ثروت بیشتر، انسان دوستی و پیشرفت‌های بیشتری را در جوامع انسانی پدید آورد. اما این موج صنعتی شدن همچنین موجب معضلات و فلاکت‌های زیادی برای انسان‌ها شد از جمله کودکان کار، بیماری‌های عفونی، صدمات و آسیب‌های صنعتی، محله‌های فقیرنشین و مرگ و میر نوزادان.

امروزه سنسورها همراه با پیشرفت در محاسبات، حافظه و قابلیت‌های ارتباطی، در حال ساخت انواع محصولات هوشمند هستند و اثرات مثبتی را در دانش و ارتباطات و انتخاب‌های مصرف‌کنندگان ایجاد کرده‌اند و در زندگی میلیون‌ها انسان تاثیر گذاشته‌اند اما همچنین منجر به از بین بردن میلیون‌ها موقعیت شغلی می‌شوند که یک چالش عظیم در دهه‌ی پیش رو است.

امروزه در اقتصاد و با پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ی تکنولوژی، شکاف میان غنی و فقیر بسیار عمیق شده‌است، اگر در موج صنعتی اول تنها طبقه‌ی کارگر یقه آبی، شغل خود را از دست می‌داد امروزه تعداد نفراتی که شغل خود را از دست می‌دهند بسیار بیشتر شده‌اند چراکه سیستم‌های خودکار، قادر به تشخیص بیماری‌ها، قادر به نوشتن گزارش‌های سالیانه، تحقیق در مورد پرونده‌های جنایی در دادگاه‌ها، طراحی نرم‌افزارها و حتی آماده‌کردن قهوه‌ی ما هستند.

ریچارد و دانیل ساسکیند در اثر تاثیرگذار خود، "آینده‌ی صنایع" استدلال می‌کنند که مشاغل حوزه‌های پزشکی، حقوق، حسابداری و مهندسی، باید تأثیرات حضور تکنولوژی‌های جدید را تحمل کنند. اگر ادعای شرکت دیلویت صحت داشته باشد یک سوم از مشاغل در بریتانیا طی یک دهه‌ی آینده از بین خواهند رفت، در مسیر مبارزه با این روند، حزب کارگر باید پیش قدم باشد و اجازه ندهد که این موج صنعتی شدن و سلطه تکنولوژیکی و هوش مصنوعی منجر به شکاف گسترده اقتصادی میان انسان‌ها در جامعه شود.

-متن ترجمه‌ای است از:

[https://www.theguardian.com/commentisfree/2016/sep/19/
world-without-work-utopia-hell-human-labour-obsolete](https://www.theguardian.com/commentisfree/2016/sep/19/world-without-work-utopia-hell-human-labour-obsolete)